

## گزارشهای شهادت امام رضا علیه السلام بر اساس کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام

۳	چکیده
۳	درآمد
۳	گزارشها
۴	گزارش کلی شهادت (وَ اللَّهُ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ)
۵	بررسی سند گزارش
۵	مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ
۶	عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ
۶	إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ
۷	عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ (أَبُو الصَّلْتِ)
۷	گزارشهای اختصاصی
۸	گزارشهای خبر از شهادت
۸	یکم (شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ)
۸	بررسی سند
۸	دوم (سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا)
۹	بررسی سند:
۱۰	سوم (إِنِّي سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا)
۱۰	بررسی سند
۱۱	چهارم (إِنِّي مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْمًا)
۱۲	گزارشهای وقوع شهادت

- يُكْمِ (وَ دَخَلَ الْمَأْمُونُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَبَقٌ عَلَيْهِ عِنَبٌ ... فَأَكَلَ مِنْهُ الرِّضَا ... وَ مَضَى  
الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ) ..... ١٢
- بررسی سند ..... ١٣
- دوم (فَلَمَّا أَعْيَتْهُ الْجِيلَةُ فِي أَمْرِهِ اغْتَالَهُ فَقَتَلَهُ (الْمَأْمُونُ) بِالسَّمِّ) ..... ١٣
- سوم (فَحَمَلَهُ ذَلِكَ عَلَى مَا فَعَلَهُ مِنْ سَمِّهِ) ..... ١٥
- جمع بندی ..... ١٦

## چکیده

بر پایه پاره‌ای از گزارشها، پایان زندگانی همه امامان شیعه از جمله امام رضا علیه السلام به شهادت ختم می‌شود، علاوه بر این گزارشات کلی، تعدادی از گزارشهای اختصاصی درباره شهادت امام رضا علیه السلام وجود دارد، مطابق برخی از اینها، امام هشتم از شهادت خود خبر داده و برخی دیگر از به شهادت رسیدن آن حضرت توسط مأمون عباسی حکایت دارد. مجموعه گزارشات کلی و اختصاصی، حجم قابل توجهی را در سراسر میراث مختلف امامیه به خود اختصاص داده است تا آنجا که به درستی آنها می‌توان اطمینان حاصل نمود، در عین حال پاره‌ای از این گزارشات به تنهایی نیز اعتبار کافی را بر اساس موازین دانش رجال داریند.

## درآمد

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به عنوان هشتمین پیشوای شیعیان، مناقب فراوان دارد. شهادت در راه خدا، از جمله فضیلت‌های مشترک میان این امام معصوم و سایر امامان شیعه است.

این نوشتار در نظر دارد به مناسبت سالروز شهادت امام رضا علیه السلام، تعدادی از مستندات منابع امامیه که از شهادت آنحضرت سخن به میان آورده، ارائه کند.

## گزارشها

گزارشهای مربوط به شهادت امام رضا علیه السلام به دو بخش گزارشهای کلی و اختصاصی تقسیم می‌گردد. مجموع این گزارشها حجم قابل توجهی از میراث حدیثی و غیر حدیثی امامیه را به خود اختصاص داده است. کنار هم قرار دادن این

گزارشها، اطمینان به درستی آن را در پی دارد، به همین دلیل نیازی به بررسی سندی تک تک آنها نمی باشد، در عین حال همانطور که در ادامه خواهید دید، روایات معتبر بر اساس دانش رجال امروزی، در این باره متعدد وجود دارد. در ادامه یک روایت از جمله گزارشات کلی شهادت و تعداد شش روایت از مجموع گزارشات اختصاصی را تنها با تکیه بر یکی از منابع حدیثی امامیه یعنی «عیون اخبار الرضا علیه السلام» شیخ صدوق رحمة الله علیه ارائه می کنیم. این گزارشها توسط افرادی مانند ابو الصلت هروی، یاسر الخادم و ریان بن شبیب، به دست ما رسیده است.

### گزارش کلی شهادت (وَ اللَّهُ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ )

بر پایه تعدادی از روایات، فرجام زندگانی همه معصومان، شهادت است. مطابق این دسته روایات، باید پذیرفت که زندگانی امام رضا علیه السلام با شهادت به پایان رسید. روایات در این باره متعدد است، اما از آنجا که در نظر داریم نوشتاری مستقل پیرامون این دسته روایات تهیه کنیم، در اینجا به ذکر یک روایت که از سوی امام رضا علیه السلام هم صادر شده و دارای سند معتبر است، بسنده می شود. شیخ صدوق رحمة الله علیه در گزارشی می آورد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ اللَّهُ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ.

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفاي ۳۸۱هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۲۸۷، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

عبد السلام بن صالح هروی [خادم امام رضا عليه السلام] می گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که فرمود: به خدا قسم، کسی از ما (معصومان) نیست جز آنکه کشته و شهید است.

## بررسی سند گزارش

سند این روایت از اعتبار و اتقان بالایی برخوردار است. در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

### مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ

راوی اول آن مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ است. وثاقت او بر پایه قرائن ذیل ثابت است:

نخست آنکه: شیخ صدوق رحمة الله عليه روایات فراوانی از او در کتابهای گوناگونش نقل می کند، چنین امری می تواند نشان از اعتماد و تایید صدوق رحمة الله عليه نسبت به او باشد. به همین دلیل جمعی از دانشمندان بر این عقیده اند اگر راویان ثقه به ویژه افرادی مانند کلینی و شیخ صدوق، روایات زیادی از یک راوی نقل کنند، نشان از اعتماد آنها به آن راوی بوده است. [نگ: **ترابی شهر رضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، ص ۳۴۵**] و عده ای از عالمان اینگونه افراد را مورد وثوق می دانند. از جمله مرحوم آیت الله بروجردی در یک سخنی چنین می آورد:

الظاهر أنه يمكن استكشاف وثاقة الراوي من تلاميذه الذين أخذوا الحديث عنه فإذا كان الآخذ مثل الشيخ أو المفيد أو الصدوق أو غيرهم من الأعلام خصوصاً مع كثرة الرواية عنه لا يبقى ارتياب في وثاقته أصلاً.

**الفاضل اللنكراني، نهاية التقرير في مباحث الصلاة، تقرير بحث البروجردی، ج ۳ ص ۲۳۲، ناشر: مركز فقه الأئمة الأطهار عليهم السلام.**

ظاهر آن است که وثاقت راوی را می توان از طریق شاگردانی را که از او حدیث اخذ نمودند، به دست آورد. پس زمانی که گیرنده حدیث مثل شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق و امثال این بزرگان باشند، به ویژه آنکه از آن راوی زیاد روایت نقل کنند، شکی در وثاقت آن راوی باقی نمی ماند.

دوم آنکه: سید بن طاووس رحمة الله عليه وثاقت او را مورد اتفاق مي داند. آیت الله خویی در این باره مي گوید:

ادعی ابن طاووس في فلاح السائل عند ذكر الرواية عن الصادق عليه السلام "أنه ما أحب الله من عصاه" الاتفاق على وثاقته فالنتيجة أن الرجل لا ينبغي التوقف في وثاقته. الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث ج ١٨، ص ٣٠٠، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م.

سید بن طاووس در کتاب فلاح السائل آنگاه که روایت امام صادق علیه السلام "أنه ما أحب الله من عصاه" را آورد، ادعای اتفاق بر وثاقت مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ، نموده است. بنا بر این شایسته نیست در وثاقت او توقف کنیم.

### عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ

راوي دوم علي بن إبراهيم است. نجاشي درباره او مي گوید:

علي بن إبراهيم بن هاشم ثقة في الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص ٢٦٠، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

علي بن ابراهيم انساني مورد وثوق در حديث، مورد اعتماد و داراي مذهبي درست است.

### إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ

سومین نفر در این سلسله، پدر علي بن ابراهيم [ابراهيم بن هاشم] است. آیت لله خویی رحمة الله عليه در شرح حال او مي نويسد:

لا ينبغي الشك في وثاقة إبراهيم بن هاشم ويدل على ذلك عدة أمور: الاول: أنه روى عنه ابنه علي في تفسيره كثيرا وقد التزم في أول كتابه بأن ما يذكره فيه قد انتهى إليه بواسطة الثقات. الثاني: أن السيد ابن طاووس ادعى الاتفاق على وثاقته. الثالث: أنه أول من نشر حديث الكوفيين بقم والقميون قد اعتمدوا على رواياته وفيهم من هو مستصعب في أمر الحديث فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم على أخذ الرواية عنه وقبول قوله.

الموسوي الخوئي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث ج ١ ص ٢٩١، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ - ١٩٩٢م

هیچ تردیدی در وثاقت ابراهیم بن هاشم وجود ندارد به دلیل آنکه: اولاً: فرزند او (علی بن ابراهیم) در تفسیرش از او روایت کرده است و او ملتزم شده که از افراد مورد وثوق در تفسیرش روایت کند. ثانیاً: سید بن طاووس ادعا کرده که وثاقت ابراهیم بن هاشم اجماعی است. ثالثاً: او اولین نفری بوده که احادیث اهل بیت علیهم السلام را در قم آورده و قمی‌ها به روایات او اعتماد داشتند در حالی که در میان قمی‌ها افرادی بودند که در امر حدیث سخت‌گیر بودند و اگر او را مورد اعتماد نمی‌دانستند، این چنین احادیث او در میان آنان مورد قبول نبود.

### عَبْدُ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ (أَبُو الصَّلْتِ)

آخرین راوی این حلقه ابوالصلت هروی است. نجاشی او را چنین می‌ستاید:  
عبد السلام بن صالح أبو الصلت الهروي ثقة صحيح الحديث.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص ٢٤٥، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

عبد السلام بن صالح مورد وثوق است و احادیث او درست است.

همانطور که ملاحظه نمودید، روایت فوق از نظر دانش حدیث معتبر بوده و مورد قبول می‌باشد. این روایت به تنهایی برای اثبات شهادت معصومان علیهم السلام کافی است اما برای اتقان بیشتر این نوشتار در ادامه گزارشهای اختصاصی را نیز ذکر می‌کنیم.

### گزارشهای اختصاصی

گزارشهای اختصاصی پیرامون شهادت امام رضا علیه السلام به دو بخش تقسیم می‌گردند، پاره‌ای از این گزارشها از شهادت آن حضرت در آینده خبر می‌دهد و برخی هم از به شهادت رسیدن آن حضرت توسط مأمون خبر داده است. در هر قسمت چند روایت به عنوان نمونه می‌آوریم.

## گزارشهای خبر از شهادت

مطابق تعدادی از گزارشات، امام رضا علیه السلام از شهادت خود خبر داده است. از منظر امامیه، خبری را که معصوم علیه السلام از یک واقعه می دهد، بدون شک محقق خواهد شد، بنا بر این؛ اگر امام علیه السلام از شهادت خود خبر دهد، حتماً شهید خواهد شد، به همین دلیل از این سری روایات هم می توان به عنوان مستندات شهادت امام رضا علیه السلام استفاده نمود. در ادامه چهار روایت از این مجموعه را می آوریم.

### یکم (شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَجَمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ... قَالَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ.

القمي، ابی جعفر الصدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۳۸۱هـ)، عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۸۷، تحقیق: تصحیح وتعلیق وتقدیم: الشیخ حسین الأعلمی، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

عبد السلام بن صالح هروی [خادم امام رضا علیه السلام] می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود ... بدترین آفریده خداوند در این زمان، مرا بوسیله سم می کشد.

### بررسی سند

این گزارش، همان است که در بخش «گزارش کلی شهادت» آوردیم. اعتبار سلسله راویان آن را همانجا ثابت نمودیم.

### دوم (سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَائِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا.



القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفاي ۳۸۱هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۲۶۱، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

حسن بن علی و شاء می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: همانا من به زودی با سم کشته خواهم شد.

بررسی سند:

راویان گزارش فوق در رتبه بالایی از اعتبار قرار دارند. در ادامه شرح حال تک تک آنان را می آوریم.

محمد بن الحسن بن أحمد

نجاشی درباره او اینگونه آورده است:

شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم، ثقة ثقة، عین.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص ۳۸۳، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

او شیخ، فقیه و بزرگ قمی ها بود و بسیار مورد وثوق است.

محمد بن الحسن الصفار

همو درباره شخصیت صفار نوشته است:

كان وجهها في أصحابنا القميين، ثقة، عظيم القدر

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص ۳۵۴، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

او در میان اصحاب قمی، دارای جایگاه بود، انسانی مورد وثوق و بزرگ است.

أحمد بن محمد بن عيسى

شیخ طوسی رحمة الله عليه درباره احمد بن محمد بن عیسی اشعری، اینگونه آورده است:

وَأَبُو جَعْفَرٍ هَذَا شَيْخٌ قَمٍّ وَوَجْهَهَا

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، الفهرست، ص ۶۸، تحقیق: الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى ۱۴۱۷ ابو جعفر، احمد بن محمد بن عیسی، بزرگ اهل قم و نزد آنان داراي جایگاه بوده است.

الحسن بن علي الوشاء

نجاشی درباره وی می نویسد:

من أصحاب الرضا عليه السلام وكان من وجوه هذه الطائفة.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص ۳۹، تحقیق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

وی از اصحاب امام رضا عليه السلام و یکی از بزرگان طایفه امامیه بود.

سوم (إِنِّي سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوْنِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنِّي سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا وَ أُقْبَرُ إِلَى جَنْبِ هَارُونَ.

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای ۳۸۱هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۱ ص ۲۴۸، تحقیق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

ابوالصلت می گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: همانا من به زودی با سم کشته خواهم شد و در کنار هارون دفن می شوم.

بررسی سند

این روایت هم به نوبه خود از راویان مورد اعتمادی برخوردار است. شرح حال تمام اینها بجز راوی نخست، قبلاً بیان گردید. نخستین راوی هم در زمره کسانی است

که صدوق رحمة الله عليه روایات فراوانی از او نقل کرده است، گذشت که این امر می تواند نشانه اعتماد صدوق رحمة الله عليه به او باشد و گفتیم که جمعی از دانشمندان بر این عقیده‌اند اگر راویان ثقه به ویژه افرادی مانند کلینی و شیخ صدوق، روایات زیادی از یک راوی نقل کنند، نشان از اعتماد آنها به آن راوی بوده و عده‌ای از عالمان اینگونه افراد را مورد وثوق می دانند. علاوه بر آنکه علامه حلی رحمة الله عليه طریق شیخ صدوق رحمة الله عليه به منصور بن حازم را که در میان آنها «ماجیلویه» وجود دارد، طریقی معتبر و صحیح می داند. بنا بر این؛ می توان گفت که وی از نگاه علامه حلی رحمة الله عليه نیز مورد اعتماد است. متن علامه رحمة الله عليه این است:

وطریق الشیخ ابي جعفر محمد بن بابويه في كتاب من لا يحضره الفقيه ... عن منصور بن حازم صحیح

الحلي الأسدي، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى ٧٢٦هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ٤٣٨، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقهة، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ.

طریق (سلسله راویان) صدوق رحمة الله عليه در کتاب «من لا يحضره الفقيه» به منصور بن حازم، طریقی درست و صحیح است.

### چهارم (إِنِّي مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْمًا)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْمًا.

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفى ٣٨١هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ١ ص ٢٨٥، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤٠٤ - ١٩٨٤ م

ياسر خادم گفت: امام رضا عليه السلام فرمود: همانا من با زهر و از روی ستم شهید می شوم.

## گزارشهای وقوع شهادت

بر پایه تعدادی از گزارشها، امام رضا علیه السلام توسط خلیفه وقت، مأمون عباسی به شهادت رسید. نمونه‌هایی از این دست گزارشات را بنگرید:

یکم (وَ دَخَلَ الْمَأْمُونُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَبَقٌ عَلَيْهِ عِنَبٌ ... فَأَكَلَ مِنْهُ الرِّضَا ... وَ مَضَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ )

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوْنِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمُتَوَكَّلُ وَ أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ تَائَانَةَ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قَالَ لِي (أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَا أَبَا الصَّلْتِ ادْخُلْ هَذِهِ الْقُبَّةَ الَّتِي فِيهَا قَبْرُ هَارُونَ وَ اثْنِي بِتُرَابٍ مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِهَا قَالَ فَمَضَيْتُ فَأَتَيْتُ بِهِ فَلَمَّا مَثَلْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ لِي نَاوِلْنِي هَذَا التُّرَابَ وَ هُوَ مِنْ عِنْدِ الْبَابِ فَتَاوَلْتُهُ فَأَخَذَهُ وَ شَمَّهُ ثُمَّ رَمَى بِهِ ثُمَّ قَالَ سِيحْفَرُ لِي هَاهُنَا ... ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا الصَّلْتِ غَدًا أُدْخِلُ عَلَى هَذَا الْفَاجِرِ فَإِنِ أَنَا خَرَجْتُ وَ أَنَا مَكْشُوفُ الرَّأْسِ فَتَكَلَّمْ أُكَلِّمَكَ وَ إِنِ أَنَا خَرَجْتُ وَ أَنَا مُعْطَى الرَّأْسِ فَلَا تُكَلِّمْنِي قَالَ أَبُو الصَّلْتِ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا مِنَ الْعَدِ ... دَخَلَ عَلَيْهِ غَلَامُ الْمَأْمُونِ فَقَالَ لَهُ أَجِبْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ... وَ دَخَلَ الْمَأْمُونُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَبَقٌ عَلَيْهِ عِنَبٌ ... فَقَالَ لَهُ كُلْ مِنْهُ فَقَالَ لَهُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ تُعْفِينِي مِنْهُ فَقَالَ لَا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ ... فَأَكَلَ مِنْهُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَخَرَجَ عَ مُعْطَى الرَّأْسِ فَلَمْ أَكَلْمُهُ حَتَّى دَخَلَ الدَّارَ فَأَمَرَ أَنْ يُغْلَقَ الْبَابُ فَعَلِقَ ... فَبَيْنَمَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ ... ثُمَّ مَضَى نَحْوَ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ ... وَ مَضَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ...

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفاي ۳۸۱هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۲۷۱ تا ۲۷۳، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

ابو الصلت می گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: در این بقعه که هارون در آنجا دفن است برو و از هر گوشه آن مشتی خاک برایم بیاور، من رفتم و آنچه خواسته بود آوردم، چون مقابلش رسیدم فرمود: یکی یکی از آن (چهار مشت) خاک را به من ده، من آن را به حضرت دادم، آن را بوئید و بر زمین ریخت و فرمود: در اینجا برایم قبری حفر می کنند ... ای ابا صلت

فردا من بر این فاجر (مأمون) وارد می‌شوم، پس اگر از آنجا سر برهنه خارج شدم با من حرف بزن و من پاسخ تو را خواهم داد، اما اگر سرم را پوشیده بودم با من سخن مگو، ابو الصلت گوید: چون صبح شد ... امام علیه السلام بر مأمون وارد شد، پیش روی مأمون طبقی از انگور بود ... او به امام علیه السلام گفت شما از آن تناول کنید. امام فرمود: مرا از خوردن آن معاف بدار، گفت: باید از آن بخوری ... امام از او گرفت و سه دانه از آن را در دهان گذاشت ... آنگاه عبا به سر کشید و خارج شد، ابو الصلت گوید: من با او سخن نگفتم تا داخل خانه شد، و فرمود: درها را ببندید ... در این هنگام دیدم جوانی خوشرو (امام جواد علیه السلام) داخل خانه شد ... سپس به سوی پدرش رفت ... امام رضا علیه السلام هم در این هنگام به شهادت رسید ...

### بررسی سند

سلسله راویان این روایت همگی از اعتبار لازم برخوردارند. غیر از راویان طبقه آخر یعنی مشایخ صدوق رحمة الله علیه، وثاقت دیگر راویان، علی بن ابراهیم و پدرش، همچنین ابوالصلت، پیش از این گذشت. در طبقه مشایخ صدوق رحمة الله علیه هم هفت نفر هستند که بررسی شرح حال تک تک آنها لازم نیست بلکه وثاقت یکی از آنها برای اثبات اعتبار در این طبقه کفایت می‌کند، به همین دلیل تنها شرح حال یک نفر از آنها یعنی «أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ» را از باب نمونه از نظرتان می‌گذرانیم. وی به شهادت خود شیخ صدوق رحمة الله علیه فردی متدین و مورد اعتماد است و درباره او نوشته است:

كان رجلاً ثقة دينا فاضلاً.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۶۹، ناشر: اسلامیه - تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ.

او مردی مورد وثوق، دیندار و فاضل بود.

دوم (فَلَمَّا أَعْيَيْتُهُ الْحِيلَةَ فِي أَمْرِهِ اغْتَالَه فَقَتَلَهُ (الْمَأْمُونِ) بِالسَّمِّ)

حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ الْقُرَشِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الصَّلْتِ الْهَرَوِيَّ فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ طَابَتْ نَفْسُ الْمَأْمُونِ بِقَتْلِ الرِّضَا ع مَعَ إِكْرَامِهِ وَ مَحَبَّتِهِ لَهُ وَ مَا جَعَلَ لَهُ مِنْ وِلَايَةِ الْعَهْدِ بَعْدَهُ فَقَالَ إِنَّ الْمَأْمُونِ إِنَّمَا كَانَ يُكْرِمُهُ وَ يُجِبُّهُ لِمَعْرِفَتِهِ بِفَضْلِهِ وَ جَعَلَ لَهُ وِلَايَةَ الْعَهْدِ مِنْ بَعْدِهِ لِيُرِيَ النَّاسَ أَنَّهُ رَاغِبٌ فِي الدُّنْيَا فَيَسْقُطَ مَحَلَّهُ مِنْ نَفْسِهِمْ فَلَمَّا لَمْ يَظْهَرْ مِنْهُ فِي ذَلِكَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا أَزْدَادَ بِهِ فَضْلًا عِنْدَهُمْ وَ مَحَلًّا فِي نَفْسِهِمْ جَلَبَ عَلَيْهِ الْمُتَكَلِّمِينَ مِنَ الْبُلْدَانِ طَمَعًا فِي أَنْ يَقْطَعَهُ وَاحِدٌ مِنْهُمْ فَيَسْقُطَ مَحَلُّهُ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ وَ بِسَبَبِهِمْ يَشْتَهَرُ نَقْضُهُ عِنْدَ الْعَامَّةِ فَكَانَ لَا يُكَلِّمُهُ خَضَمٌ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ وَ الصَّابِيِّينَ وَ الْبَرَاهِمَةَ وَ الْمُلْحِدِينَ وَ الدَّهْرِيَّةَ وَ لَا خَضَمٌ مِنْ فِرْقِ الْمُسْلِمِينَ الْمُخَالِفِينَ إِلَّا قَطَعَهُ وَ أَلْزَمَهُ الْحُجَّةَ وَ كَانَ النَّاسُ يَقُولُونَ وَ اللَّهُ إِنَّهُ أَوْلَى بِالْخِلَافَةِ مِنَ الْمَأْمُونِ وَ كَانَ أَصْحَابُ الْأَخْبَارِ يَرْفَعُونَ ذَلِكَ إِلَيْهِ فَيُعْتَاظُ مِنْ ذَلِكَ وَ يَشْتَدُّ حَسَدُهُ لَهُ وَ كَانَ الرِّضَا ع لَا يُحَابِي الْمَأْمُونِ مِنْ حَقِّ وَ كَانَ يُجِيبُهُ بِمَا يَكْرَهُ فِي أَكْثَرِ أَحْوَالِهِ فَيَغِيظُهُ ذَلِكَ وَ يَحْقِدُهُ عَلَيْهِ وَ لَا يُظْهَرُهُ لَهُ فَلَمَّا أَعْيَنَهُ الْحِيلَةَ فِي أَمْرِهِ اغْتَالَهُ فَقَتَلَهُ بِالسَّمِّ.

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفاي ۳۸۱هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۲۶۵، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

احمد بن علي انصاری می گوید: از ابو الصلت سؤال کردم چگونه مأمون خودش را راضی نمود که امام رضا علیه السلام را به قتل برساند در حالی که آن حضرت را احترام کرده و نسبت به ایشان محبت می ورزید؟ ابو الصلت گفت مأمون آن حضرت را به جهت فضلی که از او سراغ داشت، محبت می کرد و او را ولیعهد قرار داد تا به مردم نشان دهد که آن حضرت به دنیا رغبت دارد و از این طریق جایگاه او نزد مردم متزلزل گردد، اما این امر موجب بیشتر شدن جایگاه امام علیه السلام نزد مردم شد، مأمون متکلمان هر شهر را جمع میکرد به طمع اینکه یکی از آنها حضرت را مغلوب کرده و جایگاهش نزد مردم کم گردد اما هیچ یک از یهود، نصاری، مجوس، صائبین و براهمه و دهریه و فریق مسلمین با او بحث نکرد مگر آنکه آن حضرت آنها را مغلوب کرد، مردم میگفتند بخدا قسم که او نسبت به خلافت از مأمون سزاوارتر است، جاسوسان این خبر را به مأمون می رساندند و او بدین سبب خشمگین شده و حسدش نسبت به امام علیه السلام بیشتر می شد، امام رضا علیه السلام هم از مأمون در هیچ حقی پروا نداشت و او را یاری نمی کرد و در اکثر اوقات او را رد می کرد، به همین سبب مأمون



غضبناک شده و کینه‌اش زیاد می‌شد اما اظهار نمی‌کرد و چون از حيله کردن در امر آن حضرت عاجز شد در کارش مکر کرد و او را با زهر شهید کرد.

### سوم (فَحَمَلَهُ ذَلِكَ عَلَى مَا فَعَلَهُ مِنْ سَمِّهِ)

حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِئِسَابُورَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي قَالَ أَخْبَرَنِي الرَّيَّانُ بْنُ شَيْبٍ خَالُ الْمُعْتَصِمِ أَخُو مَارِدَةَ أَنَّ الْمَأْمُونَ لَمَّا أَرَادَ أَنْ يَأْخُذَ الْبَيْعَةَ لِتَفْسِيهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عِ بَوْلَايَةِ الْعَهْدِ وَ لِفَضْلِ بْنِ سَهْلِ بِالْوَزَارَةِ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ كِرَاسِيٍّ فَنُصِبَتْ لَهُمْ فَلَمَّا قَعَدُوا عَلَيْهَا أَذِنَ لِلنَّاسِ فَدَخَلُوا يُبَايِعُونَ فَكَانُوا يَصْفِقُونَ بِأَيْمَانِهِمْ عَلَى أَيَّمَانِ الثَّلَاثَةِ مِنْ أَعْلَى الْإِبْهَامِ إِلَى الْخِنْصِرِ وَ يَخْرُجُونَ حَتَّى بَايَعَ فِي آخِرِ النَّاسِ فَتَى مِنَ الْأَنْصَارِ فَصَفَّقَ بِيَمِينِهِ مِنْ أَعْلَى الْخِنْصِرِ إِلَى أَعْلَى الْإِبْهَامِ فَتَبَسَّمَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عِ ثُمَّ قَالَ كُلُّ مَنْ بَايَعَنَا بَايَعَ بِفَسْخِ الْبَيْعَةِ غَيْرَ هَذَا الْفَتَى فَإِنَّهُ بَايَعَنَا بِعَقْدِهَا فَقَالَ الْمَأْمُونَ وَ مَا فَسَخَ الْبَيْعَةَ مِنْ عَقْدِهَا قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عِ عَقْدُ الْبَيْعَةِ هُوَ مِنْ أَعْلَى الْخِنْصِرِ إِلَى أَعْلَى الْإِبْهَامِ وَ فَسَخَهَا مِنْ أَعْلَى الْإِبْهَامِ إِلَى أَعْلَى الْخِنْصِرِ قَالَ فَمَا جَ النَّاسُ فِي ذَلِكَ وَ أَمَرَ الْمَأْمُونَ بِإِعَادَةِ النَّاسِ إِلَى الْبَيْعَةِ عَلَى مَا وَصَفَهُ أَبُو الْحَسَنِ عِ وَ قَالَ النَّاسُ كَيْفَ يَسْتَحِقُّ الْإِمَامَةَ مَنْ لَا يَعْرِفُ عَقْدَ الْبَيْعَةِ إِنَّ مَنْ عَلِمَ لِأُولَى بِهَا مِمَّنْ لَا يَعْلَمُ قَالَ فَحَمَلَهُ ذَلِكَ عَلَى مَا فَعَلَهُ مِنْ سَمِّهِ.

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفاي ۳۸۱هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۲۶۵، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

ريان بن شبيب می‌گوید: وقتی مأمون خواست از مردم بیعت بگیرد تا او را امیر المؤمنین بخوانند و برای امام رضا علیه السلام از آن بیعت گرفته تا آن حضرت را ولیعهد او بدانند، همچنین خواست برای فضل بن سهل بیعت بگیرد تا او را به عنوان وزیرش بدانند، امر کرد سه صندلی برای آنها قرار دهند. وقتی هر سه نفر بر صندلی‌ها نشستند، به مردم اذن داد تا بیعت کنند، مردم داخل می‌شدند و دست راستشان را به دست راست ایشان داده به طوری که از بالای انگشتان ابهام تا بالای انگشتان کوچکشان با هم منطبق می‌گشت و بدین وسیله بیعت کرده و خارج می‌شدند تا آن که همه بیعت کرده و آخرین نفر جوانی از انصار بود وی بر خلاف

همه دست راستش را از بالای انگشت کوچک تا بالای انگشت ابهام در دست آن سه نفر گذارد و با ایشان بیعت نمود، امام علیه السلام تبسم کرد و فرمود: تمام آنان که با ما بیعت کردند بیعتشان به شکل فسخ بیعت انجام گرفت غیر از این جوان که بیعتش به شکل عقد بیعت واقع گردید. مأمون گفت: امتیاز بین این دو در چیست؟ امام فرمود: عقد بیعت عبارتست از این که طرفین بیعت از بالای انگشت کوچک تا بالای انگشت ابهام دستشان را با هم منطبق کنند یعنی طوری با هم دست دهند که انگشتان کوچک بالا و انگشتان ابهامشان پائین قرار گیرد ولی فسخ بیعت به عکس آن است یعنی از اعلاى انگشت ابهام تا اعلاى انگشت ابهام طرفین با هم منطبق می‌گردد و به عبارت دیگر طوری با هم دست می‌دهند که انگشتان ابهام بالا و انگشتان کوچکشان پائین واقع می‌گردد. راوی می‌گوید: در میان مردم اختلاف پیدا شد، مأمون امر کرد همه بیعت را اعاده کرده و همان طوری که امام علیه السلام توصیف فرمود، آن را انجام دادند، ایشان می‌گفتند: کسی که عقد بیعت را بلد نیست چگونه مستحق امامت است، قطعاً کسی که به آن علم دارد سزاوارتر است از کسی که به آن جاهل است. راوی می‌گوید: همین سرزنش مردم مأمون را وادار کرد که امام علیه السلام را با سمّ مسموم نماید.

لازم به ذکر است؛ آنچه در این روایت آمده، تنها به عنوان یک عامل از مجموعه عوامل، برای به شهادت رساندن امام علیه السلام بوده نه آنکه تنها انگیزه مأمون برای قتل امام علیه السلام این بوده باشد.

## جمع بندی

رهاورد نوشتار بالا، اثبات شهادت امام رضا علیه السلام بر پایه دو دسته گزارشات کلی و اختصاصی است. بیان شد که این گزارشات فراوان است به طوری که ملاحظه مجموع اینها اطمینان آور بوده و ما را از بررسی سندی بی نیاز می‌کند، در عین حال، همانطور که ملاحظه شد، پاره‌ای از این گزارشات به تنهایی نیز اتقان لازم را بر اساس دانش رجال دارند.

### التماس دعا